

حضور عبدالله دارابی در مریوان و

عکس العمل هیستریک سازمان زحمتکشان

خالد حاج محمدی

khalehdhaji@yahoo.com

به نظر می‌رسد این تنها جمهوری اسلامی و عوامل رسمی آن نیست که از حضور عبدالله دارابی در میان مردم شهر مریوان و سخنرانی در جمع آنها و فراخوان به گسترش مبارزه علیه رژیم، ناخشنود و نگرانند. این روزها عکس العمل هایی که سازمان زحمتکشان با اظهارات رهبرانش، با سایت بروسکه اش و با رادیو ژیوارش در رابطه با این ماجرا از خود نشان داده و هجویاتی که گفته اند، از عکس العمل کاربدستان خود رژیم بسیار هیستریک تر بوده است. رهبران و کادرهای سازمان زحمتکشان از این ماجرا چنان بی تابی از خود نشان میدهند، چنان به هذیان گویی افتاده اند که خود کاربدستان رژیم از مسئول اطلاعات و سپاه پاسدارن گرفته تا نماینده مجلس و فرماندار و ... در مریوان و در دیگر شهرهای کردستان از خود بروز نداده اند و تا این اندازه دست و پای خود را گم نکردند. اینها آنچنان حاج و واج مانده و دری وری میگویند که انگار دیوانه شده اند، انگار عقل و شعور و منطق نزدشان معنی ندارد و به نظر می‌رسد مشاعرشان را یکباره از دست داده‌اند. انگار که این حرکت قبل از خود رژیم قلب اینها را زده و بیش از خود رژیم پته اینها را روی آب انداخته است. آخر بالاخره عقلی، شعوری، منطقی و فهمی را گفته اند!

عبدالله مهدی در مصاحبه‌ای با یک رادیوی محلی در سوئد بعد از کلی دروغ بافی و داستان سازی وقتی با این سوال روبرو شد که، "اگر این ادعای شما درست است پس چگونه یکی از رهبران حزب کمونیست کارگری با وجود نیروهای رژیم، در شهر مریوان ظاهر میشود و برای مردم سخنرانی میکند؟" چنین میگوید، "این کار ساده است و هر کس میتواند در شهرهای کردستان جوله کند". بدنبال ریباز کاوه و سایت بروسکه اش میفرمایند، اصلا عبدالله دارابی به شهر مریوان نرفته است، گویا دو نفر در مقابل دریافت پول هنگفتی به مریوان رفته و کاست سخنرانی عبدالله دارابی را از یکی از مساجد شهر پخش کرده که تازه رژیم فوری سر رسیده و کاست را گرفته و یکی از این دو نفر را هم دستگیر کرده است.

این داستان بافی سازمان زحمتکشان احمقانه تر از آن است که ارزش جواب داشته باشد و راستش قبل از اینکه نسبت به حضور عبدالله دارابی چیزی بیان کند، نشانه عمق حماقت بیمارگونه و بیمایگی آنها و عمق گندابی است که آنان در آن می لولند و برای خود دنیائی نامیده اند.

اینکه سازمان زحمتکشان با کمونیسم علی‌العموم و کمونیسم کارگری علی‌الخصوص دشمنی خونی دارد بر کسی پوشیده نیست. اینکه ما در کل پروسه سر هم بندی کردن این جریان توسط جلال طالبانی و برای بردن کل کومه له با خود و تبدیل آن به جریانی از قماش اتحادیه میهنی مانع جدی سر راهشان بوده‌ایم، بجای خود. اینکه در شکست دادن کودتای ناکامشان علیه کومه له نقش جدی داشته‌ایم و اینکه کل مساعدتهایی که بابت این کار دریافت کرده بودند

را افشا کردیم، باز قبول. اینکه در این چند سال قدم به قدم آنها را افشا کرده و چهره کریه آنان را از زیر نقاب نام کومه له بیرون کشیده ایم و آنچنان که هستند به عنوان یک گروه قوم پرست و ضد کمونیست به مردم نشانشان داده ایم، باز قبول. اما تمام اینها و وجود هر درجه کینه و دشمنی با ما، هنوز نمیتواند توجیه گر این درجه از لومپنیسم و شارلاتانیسم باشد که اینها از خود نشان میدهند. انگار که آن بخش از خبر سازی و داستان درست کردن، و پاپوش دوزی که بیش از دو دهه است مراکز اطلاعاتی رژیم انجامش میدهند، اکنون اینها عهده دار انجامش شده اند.

حضور عبدالله دارابی در شهر مریوان درست بدنبال سخنرانی رحیم صفوی در سنندج و ادعای امن و امان بودن کردستان و کنترل اوضاع در دست نیروهای رژیم صورت گرفت و مستقیماً این ادعاها را نقش بر آب کرد. ظاهراً انتظار اینکه سازمان زحمتکشان به اندازه خود رحیم صفوی از خود متانت نشان دهند و بغض خود را قورت دهند هم اضافی است. همه ما این آدمها را از خود جناب مهتدی تا آن یکی را که امروز با نام ریباز کاوه هجویات مینویسند و تا دیگران را از نزدیک میشناسیم، جدا از اینکه چه کینه‌ای از ما و گذشته خود دارند، اما بالاخره داشتن یک ذره عقل و شعور کافی است تا از این لمپن بازاری مقداری دوری کنند، تا داستان سازی به نفع جمهوری اسلامی را به خود رحیم صفوی و مرکز اطلاعات رژیم واگذار کنند. آخر ماجرای حضور عبدالله دارابی در میان بیش از هزار نفر از مردم شهر مریوان و سخنرانی از یک بلندگو، باور بفرمائید نه فقط در مریوان که خود شاهد ماجرا بوده اند، بلکه در تمام شهرهای کردستان چرخیده و مردم مطلع هستند. این ماجرا باعث خوشحالی همه مردمی شد که خارج از هر درجه دوری و نزدیکی به حزب کمونیست کارگری، دوست دارند سر به تن این رژیم جنایتکار نباشد. فردا دیگر همین مردم در جواب چرندیاتی که فرموده اید تف به رویتان خواهند انداخت و باور بفرمایید آن زمان برادر بزرگوارتان جلال طالبانی و تفنگچی هایش هم کمکی از دستشان ساخته نخواهد بود. چرا که همین پدرخوانده های محترمتان باید بخاطر خدمات و مزدوریهایشان برای سران جنایتکار جمهوری اسلامی، از ترس مردم دنبال سوراخ موش باشند. چرا کنترل خودتان را از دست داده اید؟ حداقل به خود رژیم نگاه کنید که عکس العملش چگونه بوده است. سران رژیم بدنبال این حرکت هیأتی را به مریوان فرستادند و روی ماجرا به زعم خود کار کردند، تحقیق کردند و تدابیر اندیشیدند ولی در ظرفیت سازمان زحمتکشان ظاهر نشدند. این جریان هم میتوانست بشیند و با برادران هم پیمان خود در مرکز اطلاعات حکومت "هریم" در سلیمانیه (آسایش) تدابیر و چاره جویی کنند و هر وظیفه جدیدی را هم به وظایف جاسوسی خود برای آنها انجام دهند، اما وارد این فالانژ بازیهای احمقانه نشوند.

رفتن عبدالله دارابی به مریوان و حضور در میان مردم این شهر و سخنرانی برای آنها باعث خوشحالی غیر قابل توصیف مردم این شهر شد. خبر این ماجرا فوری در شهرهای دیگر از سنندج و سقز و مهاباد تا تهران پخش شد و باعث موجی شادی میان مردم شد. مردم در این ماجرا احساس قدرت کردند و به همین میزان از ناتوانی رژیم خوشحال شدند. تنفر سازمان زحمتکشان از این حرکت، بی تابی و نفرت پراکنی لومپنی آنان نه تنها علیه ما بلکه علیه کل این مردم است.

این عکس العمل قبل از هر چیز نشانه اهمیت حرکت عبدالله دارابی و جایگاه مهم آن در اوضاعی است که جمهوری

اسلامی دارد سیر فروپاشی اش را طی میکند. اینگونه عکس‌العملها خارج از هر لومپن‌بازی و داستانسرایبی سران سازمان زحمتکشان، نشان میدهد که این حرکت چقدر مهم بود و در عین حال بار دیگر ظرفیت باند سیاهی و بی‌مایگی این دار و دسته را به نمایش خواهد گذاشت. بگذار این جماعت در دنیای مالیخولیایی خود زوزه بکشند و خواب روزهایی را ببینند که مامورین مرزی جمهوری اسلامی روی ظرفیت آدم‌کشی آنها حساب خواهند کرد و به عنوان مامورین "غیور" مرزی کاره‌ای خواهند شد. مبارزه آزادیخواهانه مردم به یمن رادیکالیسم آن و تجارب کسب شده از نقش دسته‌های قوم پرست، و به یمن حضور کمونیسم کارگری، میدانی برای بازی گروههای فاشیستی باقی نخواهد گذاشت. ما این را تضمین خواهیم کرد.

۲۶ اکتبر ۲۰۰۲